

موانع حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت

سیدمحمدحسن ملائکه پور شوشتری^۱

کامل حمید*^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۸

چکیده

سازمان جهانی تجارت یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود که آزادسازی و قاعده‌مندسازی تجارت جهانی را عهده‌دار می‌باشد. این سازمان از اوّل ژانویه ۱۹۹۵، متعاقب مذاکرات دور اروگوئه، جایگزین نهاد موقت ۵۰ ساله گات (موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت) گردیده است. این سازمان در حقیقت بیش از هر سازمان یا نهاد دیگری نهاد جهانی شدن اقتصاد به شمار می‌رود. برخلاف گات که به تجارت کالا محدود می‌شد، قواعد؛ مقررات و موافقت‌نامه‌های این سازمان علاوه بر تجارت جهانی کالا، بر تجارت جهانی خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز حاکم است. تمامی کشورهایی که خواهان تعامل با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات اقتصاد بین‌المللی در فرآیند توسعه اقتصادی و صنعتی خود از طریق عضویت در این سازمان هستند، باید علاوه بر تقبل تعهدات آزادسازی بازار کالاها و خدمات خود که در خلال مذاکرات تعیین می‌گردد، از مقررات و قواعد سازمان که مندرج در موافقت‌نامه‌های این سازمان است تبعیت کرده و قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری خود را با موافقت‌نامه‌های این سازمان سازگار نماید. مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای با تکیه بر توصیف و تحلیل داده‌ها گردآوری شده است. در مقاله پیش رو، نویسنده به دنبال تبیین موانع (تعارض‌های) حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت است که ضمن تشریح و تحلیل آن‌ها به نحوه حل (رفع) این موارد نیز، حتی‌الامکان می‌پردازد. ضمن این‌که با وضع موجود به نظر دور از ذهن می‌رسد که در راه الحاق ایران به سازمان مزبور این موانع و تعارضات حقوقی برطرف یا دست کم مورد بازنگری قرار گیرند، با این وصف به مسئله الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت باید در حد کلام نگریست.

واژه‌های کلیدی: سازمان جهانی تجارت، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، موانع حقوقی الحاق، قوانین و مقررات داخلی، اصلاح و بازنگری قوانین.

s.m.h.malaekhepour@gmail.com

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی خلیج فارس، خرمشهر
kamal.hamid.law@gmail.com

۱- مقدمه

سازمان جهانی تجارت نهادی بین‌المللی است که با قواعد تجاری بین‌المللی سر و کار دارد. هدف این سازمان تسهیل تجارت بین کشورها از طریق ایجاد شرایط منصفانه و عادلانه برای رقابت می‌باشد. در راستای این هدف، سازمان تجارت جهانی، کشورها را به مذاکره برای کاهش تعرفه‌ها و رفع سایر موانع تجارت ترغیب کرده و از آن‌ها می‌خواهد قواعد مشترکی را در مورد تجارت کالاها و خدمات اجرا کنند. اعضای سازمان جهانی تجارت موظفند قوانین، مقررات و رویه‌های ملی خود را کاملاً با مفاد این موافقت‌نامه‌ها هماهنگ سازند. هماهنگ شدن قواعد و مقررات کلیه کشورها درباره تجارت کالا و خدمات باعث تسهیل تجارت می‌گردد.

همچنین باعث می‌شود که مقررات ملی، موانعی غیر ضروری برای تجارت به وجود نیآورده و صادرات و واردات هیچ کشوری به وسیله ایجاد تعرفه‌های بالاتر و یا سایر موانع فرا راه تجارت دچار وقفه نگردد. هر چند پیوستن به سازمان جهانی تجارت ممکن است برای کشورها ضروری نباشد، ولی مزایا و فواید نظام چند جانبه تجاری که در سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های آن تبلور یافته است، فقط به اعضای این سازمان تعلق می‌گیرد.

الحاق به سازمان‌های بین‌المللی، امروزه به یکی از مسائل مهم و اساسی جوامع تبدیل شده است، چرا که در عصر حاضر، جهان، مقوله جهانی شدن را به نام و شکل دهکده جهانی ارتباطات در واقع به خود قبولانده است. لیکن، همین سازمان‌های بین‌المللی برای این‌که تا این درجه از اهمیت برسند، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند، بدین خاطر در جهت افزایش تعداد اعضاء بسیار محتاط و حساب شده کار می‌کنند. به جرأت می‌توان گفت تمامی سازمان‌های رسمی بین‌المللی در پذیرش اعضاء جدید یک سری مقررات و مراحل قانونی را قرار داده اند که پیش شرط الحاق می‌باشد. به عنوان مثال در اساسنامه سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی جهان برای پذیرش عضو جدید، «دولت»^۱ بودن

متقاضی عضویت را ضروری می‌دانست؛ به این معنی که احزاب، گروه‌ها، جناح‌های سیاسی، اقلیم‌ها، ایالت‌های خود مختار و امثال این‌ها نمی‌توانند به عضویت سازمان مزبور در آیند.

بدون تردید، قوانین و مقررات داخلی هر کشوری قبل از الحاق به سازمان‌های بین‌المللی دارای نواقص و کاستی‌هایی در مقابل مقررات و منشور آن سازمان می‌باشد و نباید انتظار داشت قوانین و مقررات تمامی کشورها بدون استثنا از قبل الحاق موافق و مطابق با قوانین و مقررات سازمان‌های بین‌المللی باشد، بر این اساس هر دولت کشوری که متقاضی الحاق به هر یک از سازمان‌های بین‌المللی باشد می‌بایست قبل از الحاق در قوانین و مقررات داخلی خود تغییرات و اصلاحاتی مطابق با آنچه شرایط الحاق است انجام دهد و این خود پیش شرط و مقدمات واجب عضویت در سازمان‌های بین‌المللی است.

بنابراین، تا زمانی که کشور متقاضی الحاق، نسبت به بازنگری در قوانین و مقررات داخلی خود اقدام نکرده باشد، پذیرش و قبول آن در سازمان‌های موصوف منتفی است^۱. سازمان جهانی تجارت^۲ به عنوان یکی از نمونه‌های بارز سازمان‌های بین‌المللی منسجم از این قاعده مستثنی نبوده و هر دولت - کشوری که تمایل به عضویت در آن باشد، می‌بایست در بدو تقاضای الحاق، تمامی قوانین و مقررات داخلی خود را که با مقررات سازمان جهانی تجارت در تعارض است، قبل یا حین مذاکرات الحاق، مورد اصلاح و بازنگری قرار دهد.

اهداف نگارنده مقاله حاضر اینست که با تبیین موانع و دلایل حقوقی الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت، تا حد ممکن نیز به رفع (حل) این موانع یا تعارضات پرداخته و مشخص گردد که عمده این موانع (مقررات و قوانین مخالف مقررات سازمان جهانی تجارت) در کدامیک از قوانین و مقررات

۱. سازمان جهانی تجارت نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی از این امر مستثنی نبوده و در اساسنامه خود به صراحت از هماهنگ شدن کشور متقاضی الحاق با مقررات جاری سازمان گفته است و از این حیث هیچ تفاوتی میان متقاضیان الحاق قائل نشده است.

2. World trade organization

داخلی ایران نهفته است. لازم به ذکر است که در بسیاری از قوانین و مقررات داخلی ایران، تعارض یا تعارضاتی با مقررات سازمان جهانی تجارت وجود دارد، لیکن نگارنده بنا به اهمیت فراوان بعضی از آنها، از تشریح و ذکر موارد با اهمیت کم‌تر اجتناب نموده^۱ و تنها به موارد ذیل که اساس تعارضات حقوقی الحاق هستند، پرداخته است:

- ۱) موانع حقوقی موجود در قانون اساسی؛
- ۲) موانع حقوقی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی؛
- ۳) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات بیمه؛
- ۴) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات ارزی؛
- ۵) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات مالیاتی؛
- ۶) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات گمرکی؛
- ۷) موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات صادرات و واردات.

۲- موانع حقوقی موجود در قانون اساسی

از یک سو اصل «۷۷» قانون اساسی ایران الزام می‌نماید که کلیه مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت نیز خواهد شد.

از سوی دیگر مطابق اصل «۱۳۹» قانون اساسی، صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد، در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد- موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. در مورد موافقت‌نامه‌های جهانی تجارت مسئله به این صورت مطرح است که در

۱. البته امکان دارد در پاره‌ای از سازمان‌های بین‌المللی شرط عضویت، اصلاح و تغییر قوانین و مقررات داخلی متقاضی عضویت نباشد، که این مورد استثناء و خارج از بحث فعلی می‌باشد. مضمون سخن ما در مورد سازمان‌های بین‌المللی است که عضویت و بررسی تقاضای الحاق عضو جدید را منوط به بازنگری در قوانین و مقررات داخلی آنها می‌داند که مطابق آمار بیش از چهار پنجم سازمان‌های بین‌المللی از این گروه‌اند.

مرحله اول اختلاف میان اعضاء از طریق مشورت با یکدیگر حل می‌شود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیئت‌های رسیدگی تشکیل دهد و بر اجرای احکام و توصیه‌ها نظارت کند.

بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانون‌گذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد.

یکی از مغایرت‌های اولیه مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت با نظام اقتصادی ایران در اصل «۴۴» نهفته است.^۱ بر اساس این اصل، بازرگانی خارجی دولتی است. هدف گات^۲ و سازمان جهانی تجارت کم رنگ نمودن نقش دولت در تجارت کالاهای اساسی و هدایت اقتصاد کشورها به سمت اقتصاد غیردولتی است. اصل «۴۴» قانون اساسی، صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه‌آهن، کشتیرانی، هواپیمایی، معادن بزرگ، سدها و ارتباطات را در اختیار دولت قرار می‌دهد. اگرچه در عمل این اصل به طور کامل رعایت نمی‌شود و بخش‌های خصوصی و شبه خصوصی درگیر فعالیت‌های بازرگانی خارجی می‌باشند.^۳ در حالی که مطابق اصل ۱۶ اصول و قوانین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در مورد دسترسی به بازار، اصل آزادسازی تجاری از جمله اصول حاکم بر گات است که در مورد پیوستن کشورها به سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. به عنوان مثال در ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در باب تأمین از اتباع بیگانه در دادگاه‌های ایران باید گفت که این خود یکی از تعارضات موجود با مقررات سازمان جهانی تجارت است. این مورد و موارد دیگر که به شکل مصداقی نمایان می‌شوند را در این مقاله حذف نموده و به موارد کلی پرداخته ایم. موارد کلی که قالب یا اکثر مواد آن در تعارض با مقررات سازمان جهانی تجارت است.

2. General agreement on tariff and trade

۳. اصل ۴۴ قانون اساسی مالکیت در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی را تا جایی که با اصول فصل چهارم قانون اساسی مطابقت داشته باشد، از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه‌ی زیان جامعه نشود، مورد حمایت قرار می‌دهد. به این ترتیب حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با موانع بزرگی مواجه است.

یکی از موانع مهم در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اصل ۸۱ قانون اساسی است^۱.

به موجب این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات راجع به امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بر اساس موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، اعضاء می‌توانند نسبت به ارائه خدمات مرتبط با موارد فوق در سایر کشورهای عضو اقدام نمایند و این موضوع طبعاً با مفاد اصل فوق تعارض دارد. هر چند که بر اساس تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی، شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد شده مطابق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد.

شایان ذکر است که مطابق رویه‌ای که اعضاء سازمان جهانی تجارت برای مذاکره در این بخش در نظر گرفته‌اند، کشورهای مذاکره کننده می‌توانند رشته‌های خدماتی خاص را که احساس می‌کنند نیاز به حمایت داخلی دارد، مشمول مذاکره نمایند. اما مجاز نیستند که تمامی رشته‌های خدماتی مورد نظر را از مذاکرات خارج کنند. طبعاً با توجه به این موضوع می‌توان رشته‌های خدماتی خاصی را که از حساسیت بالایی برخوردارند مشمول مذاکرات قرار نداد. البته از لحاظ قانونی، امکان تأسیس شرکت سهامی سرمایه‌گذاری خارجی تا حد ۴۹ درصد از سهام، منع قانونی وجود ندارد ولی تفسیر آن از وظایف شورای نگهبان است. به علاوه در مقررات سازمان جهانی تجارت آمده است که هر کشور عضو در سازمان تجارت جهانی می‌تواند در دیگر کشورهای عضو سازمان، امتیاز تأسیس شرکت را داشته باشد و این هم مغایر با قانون اساسی ایران است و در صورت الحاق باید مد نظر قرار گیرد.

۱. در مورد صنایع بزرگ ما در مطابق آنچه که در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است، در نظام حقوقی و سیاسی ایران این اجماع حاصل شده است که اعطاء هر گونه امتیاز یا سهام در این خصوص به خارجیان بنا به دلایل اقتصادی و سیاسی غیر ممکن می‌باشد.

بند ۲ ماده ۱۶ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در زمینه دسترسی بازار در مورد تجارت خدمات، بیان می‌کند از جمله اقداماتی که یک عضو نباید انجام دهد برقراری محدودیت در مورد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا بر حسب کل ارزش یکایک یا مجموع سرمایه‌گذاری خارجی است. لازم به ذکر است که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی بیان می‌دارد صاحب سرمایه مجاز است که هر سال سود ویژه حاصل از به کار انداختن سرمایه خود را در ایران تا میزانی که در آیین‌نامه مقرر می‌گردد به همان ارزی که سرمایه خود را وارد یا محسوب کرده است از ایران خارج کند.

ماده ۳-۱ آیین‌نامه اجرائی قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی نیز اعلام می‌دارد که بانک‌های خارجی یا شعب آن‌ها که مطابق قوانین و مقررات مربوطه در ایران تأسیس می‌شوند از مزایای قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و این آیین‌نامه تا حدودی که با مقررات و موازین قانون بانکداری و آیین‌نامه‌های آن تباین نداشته باشند برخوردارند- گرچه اصول، ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی فعالیت بانک‌های خارجی را ممنوع می‌دارد و علی‌القاعده در این مورد اصول ۴۴ و ۸۱ به نحوی تخصیص خورده‌اند!

همین‌طور بند ه ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور، تأسیس بانک‌های خارجی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی خارجی را با تصویب مجلس امکان‌پذیر دانسته است. بند ج همین ماده هر بانکی را که بیش از ۴۰٪ سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد، بانک خارجی محسوب می‌دارد که باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت رسد.

«ماده ۳۵» قانون بیمه کشور، واگذاری مؤسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا ۲۰٪ با موافقت بیمه مرکزی ایران را مجاز دانسته و بیش از آن را موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب

۱. در اصل ۸۱ قانون اساسی چنین آمده است: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.»

هیأت وزیران نموده است. ماده ۴۵ قانون بیمه نیز اعلام می‌دارد که شروع فعالیت بیمه خارجی در ایران موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران است. ماده ۴۷ بیمه نیز انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی را پس از تکمیل ودیعه موضوع ماده ۴۶ بیمه، بلا مانع می‌داند البته مشروط بر آنکه در هر سال از ۱۰٪ مبلغی که به عنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی است تجاوز ننماید (بیدآباد؛ ۱۳۸۴: ۴۴).

«اصل ۴» قانون اساسی الزام می‌نماید که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر آن باید بر اساس «موازین اسلامی» باشد. این اصل بر سایر اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص آن به عهده شورای نگهبان گذارده شده است. اما در بند ۴ از ماده ۱۶ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت آمده است: هر عضو ملزم به تطبیق قوانین و آیین‌نامه‌های اداری کشور خود با تعهداتش در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت می‌نماید و ماده ۲۳ موافقت‌نامه جنبه‌های مرتبط با حقوق مالکیت معنوی، در برگیرنده حمایت‌های تجاری برای علائم جغرافیایی مشروبات الکلی است.^۱ ماده ۲۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ موارد استثناء را بیان می‌کند که امکان تعدیل در اتخاذ سیاست‌های تجاری، تطبیق آن را با شرایط فرهنگی و ارزشی و دینی خاص کشور میسر می‌نماید. در بند الف ماده ۲۰ به اقدامات تجاری در جهت حراست اخلاقی اشاره می‌کند.

۳- موانع حقوقی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی

پیشرفت‌های سریع تکنولوژی یک در سال‌های اخیر، به ویژه در حیطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی، علاوه بر ایجاد بازارهای جدید، فرآیندهای تولید و نوآوری را کاملاً متحول ساخته و ماهیت رقابت‌های بین‌المللی را دگرگون نموده است. از

۱. برای کسب اطلاع بیشتر تر مراجعه شود به قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۱۳۳۹/۴/۷ مجلس شورای اسلامی، همچنین قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ مجلس شورای ملی.

سوی دیگر رشد تکنولوژیک برخی از کشورهای در حال توسعه، ضمن بالا بردن قدرت رقابتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی آنها به بازارهای جهانی، موجب گردیده که مزیت‌های نسبی سنتی ممالک پیشرفته مورد تهدید قرار گیرد. این تحولات و نیز جهانی شدن ماهیت رقابت‌های تجاری، سبب گردیده که کشورهای توسعه یافته برای حفظ قدرت رقابت و سهم خود در بازارهای بین‌المللی به استراتژی‌های دیگری روی آورند که اساس آنها بر حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا حمایت از حیطه‌هایی استوار است که بر دانش و اطلاعات متکی می‌باشند. به عبارت دیگر کشورهای پیشرفته به علت ورود رقبای جدید به بازارهای جهانی (به ویژه کشورهای تازه صنعتی شده) و افزایش نگرانی آنها در از دست دادن تدریجی قدرت رقابتی خود در حیطه‌هایی که قبلاً در آنها از مزیت نسبی برخوردار بودند، درصدد برآمدند تا مالکیت معنوی را به عنوان اساس مزیت‌های نسبی جدید خود مطرح و آن را در قالب توافقات بین‌المللی قاعده‌مند سازند. این امر در سال‌های اخیر از اهمیت زیادی نزد ممالک توسعه یافته برخوردار شده و در برخی موارد موجب بروز تنش‌های تجاری نیز گردیده که حتی به اقدامات جبرانی از سوی این کشورها نیز منجر شده است. به طور مثال آمریکا در قانون تجارت و تعرفه مصوب ۱۹۸۴ خود، اعطای ترجیحات تعرفه‌ای^۱ (در قالب GSP) به کشورهای در حال توسعه را، منوط به حمایت کافی و مؤثر این کشورها از حقوق مالکیت معنوی نموده است. بخش ۳۰۱ این قانون، رییس جمهور آمریکا را مجاز دانسته که تجارت با کشورهایی که به رویه‌های تجاری ناموجه و غیرمنطقی مبادرت می‌ورزند، محدود نماید. این اقدامات محدود کننده تجاری در قانون تجارت مصوب ۱۹۸۸ آمریکا نیز به شکل حادثی دیده شده است.^۲

۱. به نقل از منبع پیشین، ص ۸۰

۲. همان یعنی منبع بالا، (بیدآباد؛ ۱۳۸۴: ۸۰).

در این قانون به نمایندگی بازرگانی آمریکا اختیار داده شده که ضمن تهیه فهرستی از اسامی کشورهای که ناقض حقوق مالکیت معنوی هستند، با اعلام یک ضرب الاجل تعیین شده، مجازات‌های تجاری بر علیه آن‌ها اعمال نماید.

اتحادیه اروپا نیز در معاملات تجاری خود با کشورهای در حال توسعه، موضوع حمایت از مالکیت معنوی را دنبال کرده و این اختیار را برای خود قائل است که در صورت نقض این حقوق، به اقدامات یک‌جانبه متوسل گردد.^۱

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۲ به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد در دور اروگوئه^۳ پس از مذاکرات فراوان در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ مورد توافق نهایی قرار گرفت. این موافقت‌نامه که هم‌چنین یکی از سه رکن اصلی موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی (موافقت‌نامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقت‌نامه مربوط به تجارت خدمات، موافقت‌نامه مربوط به حقوق مالکیت فکری) است، از اسناد غیر قابل تفکیک دور اروگوئه محسوب گردیده و از جامع‌ترین و کامل‌ترین موافقت‌نامه‌ها در خصوص حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این موافقت‌نامه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- موافقت‌نامه تریپس از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه‌برداری و حقوق جانبی (حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی، و سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق اختراع، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه چپ‌ها^۴ و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد؛

۲- موافقت‌نامه تریپس ضمن تعیین استانداردهای حداقلی به برخی از کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت فکری^۵ از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های

-
1. Trips
 2. Integrated Circuits
 3. Uruguay round
 4. World Intellectual Property Organization (WIPO)
 5. Copyright

بخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آن‌ها را لازم الاجرا دانسته است؛

۳- موافقت‌نامه تریپس با تأکید بر مسأله اجرا، به مواردی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمینی و رویه‌های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد؛

۴- موافقت‌نامه تریپس در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد.

مقررات مربوط به حمایت از حق اختراعات، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این موافقت‌نامه می‌باشد. مطابق «ماده ۲۷» موافقت‌نامه، تمامی اختراعات اعم از تولیدات یا مراحل پردازش در کلیه زمینه‌های تکنولوژیک و بدون اعمال تبعیض بر حسب مکان اختراع و این که محصول وارداتی است یا تولید داخلی، باید مورد حمایت قرار گیرند. مطابق این ماده هرگونه برخورد متفاوت با اختراعات براساس مکانی که اختراع در آنجا صورت گرفته غیرمجاز می‌باشد. البته این حمایت‌ها شامل اختراعاتی نمی‌گردد که بهره‌برداری تجاری از آن‌ها به دلیل نظم عمومی و اخلاقی ممنوع شده باشد. اختراعاتی که برای زندگی انسان، حیوان و نبات و نیز محیط زیست مضر باشند مشمول حمایت قرار ندارند.

در زمینه نسخه‌برداری^۱ و حقوق مربوطه، در موافقت‌نامه تصریح شده است که اعضاء باید مقررات اساسی کنوانسیون برن (تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۱) در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری را بپذیرند. در این موافقت‌نامه، کپی رایت به برنامه‌های کامپیوتری نیز تعمیم داده شده و مقرر گردیده که این برنامه‌ها همچون آثار ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرند. یکی دیگر از جنبه‌های این

1. Royalty

موافقت نامه که به قواعد موجود بین‌المللی در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه اضافه شده است، مقررات مربوط به حقوق اجاره صاحبان برنامه‌های کامپیوتری و ضبط موسیقی است. مطابق این مقررات افراد مجازند که از اجاره آثار خود به عموم جلوگیری به عمل آورند. این اختیار به آثار سینمایی نیز تعلق می‌گیرند. علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری و دیگر اطلاعات افشاء نشده و طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه نیز از دیگر جنبه‌های مالکیت معنوی است که در موافقت‌نامه مزبور مقررات خاصی برای حمایت بین‌المللی از صاحبان آن‌ها وضع گردیده است. (بیدآباد؛ ۱۳۸۴: ۸۱).

یکی از جنبه‌های مهم این موافقت‌نامه، پیش‌بینی مکانیسمی برای برخورد با کشورهایی است که به تعهدات خود در زمینه حمایت از مالکیت معنوی عمل نمی‌نمایند. کشورهای پیشرفته بخاطر فقدان مکانیسم‌های اجرایی مؤثر در چارچوب کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی، تلاش کردند تا ضمانت‌های اجرایی لازم را در چارچوب گات در این موافقت‌نامه بگنجانند. مطابق مواد متعدد این موافقت‌نامه (۲۰ ماده)، که در آن‌ها نحوه حل و فصل دعاوی و ضمانت‌های اجرایی لازم مقرر گردیده، در صورتی که یکی از اعضاء سازمان جهانی تجارت اظهار دارد که عضو دیگر تعهدات خود را در چارچوب موافقت‌نامه نقض کرده، موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی ارجاع می‌گردد و در صورت اثبات نقض تعهدات، شورای عمومی سازمان جهانی تجارت می‌تواند مجازات‌هایی را بر علیه کشور خاطی (که می‌تواند به متوقف کردن تجارت کالای تقلبی یا حتی نابودی آن در مرزها بیانجامد) اعمال نماید. به طور کلی از آنجا که تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش اطلاعات به کار رفته در این تکنولوژی‌ها اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد، قطعاً حمایت‌های پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت، بیش‌ترین منافع را برای این کشورها به دنبال دارد. در مقابل کشورهای در حال توسعه عموماً از این مزیت

برخوردار نیستند، ضمن این که باید حق اختراع^۱ بیش تری به خارجیان پیردازند و برای محصولات که تحت لیسانس ها و مجوزها ساخته می شوند نیز باید قیمت بالاتری پرداخت کنند.

علاوه بر این اجرای تعهدات مترتب در موافقت نامه مزبور، مستلزم بهبود اساسی رویه های قضایی، اداری و اجرایی در این کشورها خواهد بود که ضرورتاً منابع انسانی و مادی قابل توجهی باید بدین منظور تخصیص یابد. البته از جمله منافع بلند مدت این موافقت نامه برای ممالک در حال توسعه، ضرورتی است که این کشورها را نیز مجبور می سازد تا ضمن تقویت پایه های علمی و تخصیص منابع قابل توجه به امر تحقیق و توسعه، مزیت های رقابتی خود را در تجارت بین الملل عمدتاً به حیطه هایی سوق دهند که اساس آنها را دانش و تکنولوژی تشکیل می دهد. این موافقت نامه از جمله مواردی است که در آن منافع کشورهای توسعه یافته حفظ می شود و در مقابل منافع کشورهای در حال توسعه از این بابت در انتقال دانش و علم و تکنولوژی محدود می گردد.^۲

اولین قانون راجع به مالکیت صنعتی در ایران قانون سال ۱۳۰۴ شمسی بود که از سال ۱۳۰۵ به مرحله اجرا درآمد و اداره ثبت علائم تحت نظر وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه انجام وظیفه می کرد. علائم ثبت شده نیز در مجله ای بنام مجله فلاحت (که از اول شهریور ۱۳۰۷ منتشر می شد) به ترتیب شماره ثبت درج می گردیدند. اداره ثبت علائم در سال ۱۳۰۹ شمسی در وزارت اقتصاد ملی تمرکز یافت و اداره مذکور بنام اداره کل امور اقتصادی و دفتر علائم تجاری و صنعتی درآمد و علائم ثبت شده در مجله ای بنام اقتصاد ملی درج می گردید. این امر تا تصویب قانون اول تیر ۱۳۱۰ ادامه داشت. با تصویب این قانون، قانون سال ۱۳۰۴ و آیین نامه

۱. موضوع حق اختراع عبارت است از هرگونه اختراع اعم از محصولات یا فرآیندها در تمام رشته های فناوری به شرط آنکه جدید، بدیع و قابل کاربرد صنعتی باشد. (بند ۱ ماده ۲۷ موافقت نامه تریپس).

۲. باید گفت یکی از مقدمات و شرایط اساسی الحاق به سازمان جهانی تجارت علاوه بر تغییر و بازنگری در قوانین و مقررات داخلی، قبول و به رسمیت شناختن تمامی موافقت نامه حمایتی و تجاری مورد اعلام سازمان تجارت جهانی است. کنوانسیون پاریس نیز یکی از این موافقت نامه ها است.

اجرائی آن نسخ گردید. بدین ترتیب برای اولین بار ثبت اختراع به موجب قانون سال ۱۳۱۰ در ایران معمول و از حمایت مدنی و جزائی برخوردار گردید. ثبت علائم تجارتي و اختراعات و اعطای گواهینامه‌های مربوط به وزارت دادگستری (عدلیه سابق) محول گردید. در اسفند ماه ۱۳۲۷، آیین‌نامه‌ای به تصویب رسید که به موجب ماده اول آن، برای ثبت شرکت‌های تجاری و علائم و اختراعات در تهران، اداره‌ای به نام اداره ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتي و اختراعات که جزء تشکیلات اداره کل ثبت اسناد و املاک بود تشکیل شد. آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها در شهریور ۱۳۴۰ تصویب و نام اداره مذکور به اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تغییر یافت. با تصویب قانون اردیبهشت ۱۳۵۲ و تبدیل اداره کل ثبت اسناد و املاک به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تبدیل گردید.

در ماده یک قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، علامت تجارتي عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غیره که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی، تجارتي یا فلاحتی اختیار می‌شود. بر مطابق ماده ۲۶ این قانون هر قسم اختراع یا اکتشاف جدید در شعب مختلف صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر مطابق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید. مشروط بر این‌که اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. نوشته‌ای که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد، ورقه اختراع نامیده می‌شود.

ترتیبات بین‌المللی حمایت از مالکیت صنعتی، در قالب کنوانسیون بنام کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در سال ۱۸۸۳ میلادی به وجود آمد.^۱ دولت ایران در اسفند ۱۳۳۷ به اتحادیه مذکور ملحق و در اجلاس ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸ این

۱. سازمان جهانی مالکیت فکری یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد که مسئولیت اصلی حمایت از حقوق مالکیت فکری را به عهده دارد و اکثر معاهدات بین‌المللی در این زمینه تحت نظارت آن قرار دارند. (WIPO)

کنوانسیون در شهر لیسبون، قرارداد تجدید نظر شده کنوانسیون پاریس به امضای نماینده دولت ایران رسید و در ۱۶ دسامبر ۱۹۵۹ الحاق رسمی ایران به اتحادیه پاریس قطعیت یافت. در حال حاضر مرجع ملی طرف قرارداد، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. سازمان جهانی مالکیت معنوی در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در اصلاحیه استکهلم از کنوانسیون پاریس به وجود آمد. این سازمان به موجب قطعنامه دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان به عنوان شانزدهمین سازمان تخصصی سازمان ملل متحد شناخته شد و مسئولیت حمایت از مالکیت معنوی در سراسر جهان و از طریق همکاری بین دولت‌های عضو را به عهده دارد. مالکیت معنوی از دو رکن عمده تشکیل شده است: (بیدآباد؛ ۱۳۸۴: ۸۳).

(۱) مالکیت صنعتی. عمدتاً در زمینه اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های مبداء؛

(۲) حق تکثیر (کپی رایت). عمدتاً در زمینه آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و سمعی و بصری.

تا تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۹۵، ۱۵۱ کشور عضو سازمان جهانی مالکیت معنوی بودند و علاوه بر این، هفت کشور طرف قرارداد کنوانسیون‌هایی هستند که توسط سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ مدیریت می‌شود، لیکن به عضویت این سازمان در نیامده‌اند. ایران از جمله این کشورها است که به کنوانسیون پاریس (مالکیت صنعتی) تجدید نظر شده در سال ۱۹۵۸ ملحق گردیده، لیکن هنوز اصلاحیه استکهلم مصوب ۱۹۶۷ را که به موجب آن سازمان جهانی مالکیت فکری ایجاد شد را نپذیرفته است.^۲

۱. به طور کلی می‌توان گفت که موضوعات مورد حمایت در موافقت‌نامه حمایت از حقوق مالکیت معنوی Trips شامل موضوعات ذیل می‌شود: حق نسخه‌برداری (کپی رایت) و حقوق جانبی؛ علائم تجاری؛ علائم جغرافیایی؛ طرح‌های صنعتی؛ حق اختراع؛ طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشا نشده یا اسرار تجاری. این نتیجه حاصل می‌شود که هر کشوری مایل به عضویت در سازمان جهانی تجارت باشد با قبول اجباری موافقت‌نامه فوق، التزام به رعایت تمام موارد نامبرده فوق‌الذکر را نیز خواهد داشت. چرا که این موافقت‌نامه و سایر موافقت‌نامه‌های مرتبط با اساسنامه WTO جزء لاینفک موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت می‌باشند.

2. Paris convention

یکی از اقداماتی که ایران در خصوص عضویت در سازمان جهانی تجارت و پذیرش موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه و منجمله موافقت‌نامه حقوق مالکیت معنوی باید انجام دهد، پذیرش اصلاحیه استکلهم به عنوان آخرین موافقت‌نامه بین‌المللی مالکیت صنعتی می‌باشد، چرا که در متن موافقت‌نامه تریپس این امر تصریح شده است. بدین صورت که در ماده ۲ این موافقت‌نامه آمده که در خصوص علائم تجاری، علائم جغرافیایی و طرح‌های صنعتی، اعضاء مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ کنوانسیون پاریس^۱ (۱۹۶۷) را رعایت خواهند کرد.

به طور کلی در خصوص مقایسه قوانین مالکیت صنعتی در ایران و مفاد موافقت‌نامه حقوق مالکیت معنوی باید متذکر شد که قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آیین نامه مصوب ۱۳۳۷ با مفاد کنوانسیون پاریس (۱۹۵۸) انطباق دارد. ولی اصلاحیه استکلهم (۱۹۶۷) هنوز مورد پذیرش ایران قرار نگرفته است که ایران نیز باید بدان ملحق گردد و در این صورت حقوق مالکیت صنعتی و کپی رایت را بپذیرد. در خصوص ابعاد دیگر موافقت‌نامه تریپس، با توجه به این‌که ایران عضو نظام بین‌المللی کپی رایت نیست، پذیرش تعهدات مندرج در موافقت‌نامه تریپس الزاماً به معنای پذیرش کنوانسیون برن (۱۹۷۱) و تعهدات مربوط به کپی رایت است که این موضوع می‌تواند یکی از مسائل مهم در روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باشد (بزرگی و فتحی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۵۹).

۴- موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات بیمه

به موجب لایحه قانون ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری سال ۱۳۵۸ مطابق مواد (۱) و (۲) «به منظور حفظ حقوق بیمه‌گذاران و گسترش صنعت بیمه در سراسر کشور و گماردن بیمه در خدمت مردم از تاریخ تصویب این قانون کلیه مؤسسات بیمه کشور ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط، ملی اعلام می‌شود و پروانه فعالیت نمایندگی‌های مؤسسات بیمه خارجی در ایران لغو می‌شود». به علاوه

1. Bern convention

مطابق قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ (ماده ۳۵) واگذاری سهام مؤسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تا بیست درصد با موافقت بیمه مرکزی ایران مجاز است و بیش از آن موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران خواهد بود. تبصره این ماده نیز مقرراتی دارد که انتقال سهام مؤسسات بیمه ایرانی به دولت‌های خارجی یا انتقال بیش از ۴۹ درصد سهام آن‌ها به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی را مطلقاً ممنوع کرده است و انتقال سهام بین سهامداران اتباع خارجی باید با موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران صورت گیرد.

لذا حتی چنانچه تبصره ماده ۳۵ مبنی بر مشارکت ۴۹ درصد شرکت‌های بیمه خارجی در ایران پذیرفته شود، این ماده مغایر با بند ۱ و ۲ از ماده ۱۶ توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت می‌باشد (دسترسی به بازار) زیرا براساس این بند برقراری محدودیت‌هایی در مورد مشارکت سرمایه خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا برحسب کل ارزش یکایک یا مجموع سرمایه‌گذاری‌های خارجی ممنوع است. براساس ماده ۴۶ قانون بیمه، مؤسسات خارجی باید مطابق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد مبلغی برای هر یک از دو رشته بیمه‌های زندگی و غیر زندگی نزد بیمه مرکزی ایران تودیع نماید. همچنین براساس ماده ۴۷، انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی پس از تکمیل ودیعه مذکور در ماده ۴۶ به خارج بلامانع خواهد بود. مشروط بر آنکه رقم انتقالی در هر سال از ده درصد مبلغی که به عنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی است تجاوز نکند. همچنین براساس بند (ج) از ماده ۱۲ موافقت‌نامه مزبور، برقراری محدودیت‌هایی در مورد تعداد کل عملیات خدمات یا مقدار کل ستانده خدماتی اعلام شده بر حسب واحدهای عددی چه به صورت سهمیه و یا در قالب الزام ناشی از یک معیار نیازسنجی اقتصادی ممنوع است و لذا ماده ۴۶ و ۴۷ قانون بیمه ایران مغایر با مواد ب و ج از ماده ۱۲ موافقت‌نامه فوق می‌باشد و لازم است تا این مغایرت‌ها رفع گردد. همچنین مطابق موافقت‌نامه مذکور، مؤسسات پولی و بانکی و بیمه خارجی می‌توانند در قلمرو اعضا تشکیل شوند. در حالی که قوانین مورد بحث در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی،

فعالیت این نوع مؤسسات را ملی اعلام کرده و بدین ترتیب راه را برای فعالیت عرضه کنندگان خدمات مالی خارجی بسته است.

۵- موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات ارزی

از نظر مقررات موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، سهمیه‌بندی ارزی و تخصیص ارز جهت ورود کالا برحسب اولویت‌های خاص و نیز نرخهای ارز ترجیحی نیز نوعی محدودیت به شمار می‌رود. حمایت از صنایع و تولیدات داخلی به کمک ابزارهای غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه بندی ارزی و گران کردن واردات در مقابل محصولات مشابه داخلی با تخصیص ارز به بخش‌های اولویت دار و صدور محصولات داخلی به صورت دامپینگ^۱ در قالب سیاست‌های تشویق صادرات و یا حمایت از شرکت‌های داخلی در تجارت خارجی با فروختن ارز ارزان قیمت به آنها از مواردی است که در ایران کم و بیش وجود داشته و برخی از آنها نیز در حال حاضر متداول هستند ولی از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان‌سازی ارز بسیاری از معضلات مربوط به این موانع برطرف یا حداقل کم شده است.^۲

یکی دیگر از جنبه‌های ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی در چارچوب مقررات موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، ممنوعیت اعطاء یارانه صادراتی است که با مقررات و سیاست‌های تشویق صادرات در کشور ما در دهه ۱۳۷۰ مغایر بود. چرا که صادرکنندگان از نرخهای ارز ترجیحی برای ورود اقلام مورد نیاز استفاده می‌کردند و بعضاً کالای صادراتی خود را با نرخ شناور می‌فروختند اما این روند با موضوع یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ متوقف شد و مغایرت میان توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت با قوانین ارزی و تجاری ایران از این لحاظ برطرف گردید، ولی سهمیه‌بندی ارزی هنوز موضوعی قابل طرح است (بیدآباد، ۱۳۸۴: ۴۳).

1. Dumping

۲. قیمت‌شکنی یا دامپینگ در نظام تجارت بین‌المللی به حالتی اطلاق می‌گردد که کالاها با قیمتی کمتر از ارزش عادی آنها یعنی عموماً به قیمتی کمتر از بازار داخلی یا بازار کشور ثالث یا کمتر از هزینه تولید و فروش به علاوه حاشیه سود صادر می‌گردند. به نظر می‌رسد دامپینگ با اصل عدم تبعیض و اصل شفافیت بخشیدن که از اصول اساسی و مسلم سازمان جهانی تجارت می‌باشند، مطابقت داشته باشد.

۶- موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات مالیاتی

ماده ۳ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در ارتباط با رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی، کشورها را الزام به اتخاذ قوانین و رویه‌های یکسان و مشابه و مطلوب در مورد محصولات وارداتی و تولیدات داخلی می‌نماید. در این ماده به صراحت اعلام شده است که محصولات و تولیدات هر کشور طرف قرارداد گات که وارد سرزمین متعاقد دیگر می‌شود به طور مستقیم و غیر مستقیم مشمول مالیات داخلی و دیگر انواع مالیات و هزینه‌هایی است که در مورد محصولات مشابه داخلی برقرار می‌گردد و مواردی مازاد بر آن نباید در نظر گرفته شود^۱.

برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم نظیر مواد ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲ به اشکال گوناگون اقدام به حمایت از تولیدکنندگان داخلی در قالب معافیت‌های مالیاتی می‌نماید. البته باید گفت که اصولاً موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت حمایت از تولیدات و صنایع داخلی را ممنوع نمی‌کند، بلکه مطابق مقررات خاصی نظیر ماده ۲ اساسنامه مقرر می‌دارد که چنین حمایت‌هایی باید اساساً از طریق تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق اقدامات تجاری صورت گیرد. اهداف عمده این اصل، ایجاد شفافیت و وضوح در اجرای سیاست‌های حمایتی و به حداقل رساندن اختلالاتی است که حمایت در تجارت ایجاد می‌کند.

۷- موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات گمرکی

براساس اصل دول کامله الوداد، کشوری که به سازمان تجارت جهانی ملحق می‌شود باید با تمامی اعضاء روابط بازرگانی یکنواخت و بدون تبعیض برقرار نماید.

۱. تعهدی در قالب ماده ۳ گات که کشورها را ملزم می‌سازد با کالاهای وارداتی پس از ترخیص از گمرک به گونه‌ای رفتار کنند که از رفتار اعمال شده در مورد کالاهای تولیدی در داخل نامطلوب‌تر نباشد. بدین ترتیب، واردات نباید مشمول مالیات داخلی بالاتر یا مقررات و استانداردهای سختگیرانه‌تری نسبت به کالاهای داخلی قرار گیرد. این موضوع در قالب رفتار ملی (National Treatment) یکی از اصول بنیادین گات و به تبع آن در سازمان جهانی تجارت مورد قبول واقع شده است.

این اصل (ماده ۱ موافقت‌نامه عمومی) مغایرتی با قوانین و مقررات تجاری ایران نداشته بلکه حتی با ماده ۶ قانون گمرکی کشور مصوب ۱۳۵۰ نیز هماهنگی دارد.

براساس «ماده ۶» قانون امور گمرکی، هرگاه ضمن موافقت‌نامه‌های بازرگانی با دولت یا کشورهای بیگانه برای کالای معینی، حقوق گمرکی به مأخذی غیر از آنچه که در جدول تعرفه ضمیمه قانون مقرر است معین بشود، مادام که موافقت‌نامه‌های مزبور به قوت خود باقی هستند حقوق گمرکی آن کالا مطابق مأخذ تعیین شده در موافقت‌نامه‌ها و بارعایت شرایط مقرر در آن‌ها دریافت می‌گردد، مگر این‌که در تعرفه ضمیمه این قانون حقوق گمرکی کم‌تری به آن تعلق گیرد یا از حقوق گمرکی بخشوده شده باشد.

به طور مثال چنانچه ایران کاهش تعرفه گمرکی در مورد کالا یا کالاهای خاصی را در رابطه با کشور معینی پذیرفت، باید این امتیاز را بدون قید و شرط به سایر کشورهای عضو نیز اعطاء نماید. گرچه مطابق ماده ۳۵ موافقت‌نامه عمومی، طرف‌های متعاقد می‌توانند از اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشورهای دیگر که با آن‌ها مذاکرات تعرفه‌ای نداشته‌اند خودداری نمایند^۱.

اما مواد ۵ و ۷ و ۸ که در خصوص آزادی ترانزیت، شرایط ورود و صدور کالا و شیوه‌های مد نظر در ارزیابی گمرکی است، در برخی موارد با مواد ۱۷۲ و ۱۹۲ آیین‌نامه ارزیابی گمرکی کشور کاملاً مطابق نیست. برای مثال در ماده ۵ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت هیچگونه تمایزی بر مبنای پرچم کشتی، مبداء ورود و خروج یا مقصد بر مبنای شرایط مربوط به مالکیت کالای کشتی یا دیگر وسایل حمل و نقل صورت نگرفته است. در حالی که این موضوع در قوانین ایران در رابطه با برخی از کشورها ممنوع شده است. ضمناً مواد ۵ و ۶ و ۷ قانون گمرکی کشور به صراحت

۱. در ماده ۲۴ گات به اتحادیه گمرکی اشاره شده است. این اتحادیه گروهی متشکل از دو یا چند کشور که (الف) اقدام به حذف حقوق و سایر موانع گمرکی در تمامی یا تقریباً تمامی مبادلات فی ما بین نموده‌اند؛ و (ب) تعرفه‌های گمرکی مشترکی را در مقابل کشورهای غیر عضو گروه اتخاذ کرده‌اند. همانطور که مشاهده می‌گردد مفاد این ماده گات با قانون گمرکی ایران مغایرت دارد. رفع تعارض آن جزء با حذف مواد قانونی مرتبط میسر نیست و به نظر نمی‌رسد چنین عملی به سادگی امکان‌پذیر باشد.

حمایت‌های تعرفه‌ای و محدودیت‌های خاصی در ارتباط با نوع کالاهای وارده و وضع عوارض خاص (سود بازرگانی) در خصوص برخی اقلام وارداتی بر حسب ضرورت و تشخیص مراجع ذیصلاح را مطرح نموده است که با اصول ۱ و ۲ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت مبنی بر اتحاد رویه در خصوص وضع محدودیت از طریق نرخ‌های تعرفه در تعارض می‌باشد. (بیدآباد، ۱۳۸۴: ۴۳).

۸- موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات صادرات و واردات

نظام تجاری ایران طی دهه گذشته شاهد تحولات عمده‌ای بوده است. قانون در این برهه مقررات صادرات و واردات کاملاً تغییر کرد، مالیات‌های وارداتی یک کاسه شد و گرایش سیاست‌های تجاری به سمت آزادسازی بود. به علاوه نرخ‌های متنوع ارز که از جمله موانع عمده صادرات به شمار می‌آید یکسان گردید. یارانه‌های بسیاری تغییر کردند ولی هنوز نیاز به اصلاحات بسیاری در این بخش است. برای بررسی تطبیقی قوانین تجاری ایران با توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی، ملاحظه اصول کلی اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله الوداد و کاهش تعرفه‌های گمرکی و تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی از اهمیت خاصی برخوردارند. بر اساس ماده ۳ مقررات صادرات و واردات، کالاهای وارداتی و صادراتی سه گروه مجاز، مشروط و ممنوع تقسیم می‌گردد. ماده ۱۶ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت دسترسی به بازار کالاها را برای اعضاء در چارچوب موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت مجاز می‌داند.^۱

۱. بنابراین دسترسی اشخاص به کالاهای ممنوع مطلقاً و به کالاهای مشروط نسبتاً غیر ممکن است. کالاهای ممنوع کالاهایی هستند که داد و ستد آنها با نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور در تعارض است. مانند: مشروبات الکلی، داروهای روان گردان، مواد مخدر مخصوصاً از نوع صنعتی، آلات و ادواتی که وزارت دفاع و پشتیبانی وجود آنها نزد مردم عادی را ممنوع اعلام کرده است و یا مواردی که در پاره‌ای از اوقات شورای دفاع از امنیت ملی مقرر می‌نماید. و کالاهای مشروط را می‌توان کالاهایی دانست که در بازار دسترسی به آن آسان است، لیکن وجود آن در بازار و مورد معامله قرار دادن آنها منوط به صدور مجوز خاص از سوی دولت است. شرح این موارد به تفصیل در قانون صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۴/۷ و ضمایم آن آمده است.

ماده ۱۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت طرف‌های متعاقد را از وضع محدودیت مقداری برای ورود کالا به کشور خود بر حذر می‌دارد. ماده ۳۴ مقررات صادرات و واردات کشور در خصوص حمایت مؤثر از تولید داخلی که در مورد کالاهایی که تولید داخلی آن‌ها به مقدار نیاز کشور نیست و به ناچار مقداری از خارج وارد می‌گردد بیان می‌نماید که باید به نحوی سهم واردات تعیین گردد که حمایت مؤثری از تولید داخلی به عمل آید.

ماده ۳۵ مقررات صادرات و واردات در حمایت گمرکی از طریق افزایش حقوق و عوارض گمرکی از بخش کشاورزی و به دلیل اهمیت خودکفایی در این بخش و مکانیزه شدن آن و همچنین اولویت ساختن ماشین‌آلات و تجهیزات کشاورزی در داخل، معافیت گمرکی این قبیل کالاها را شامل حذف تدریجی قرار می‌دهد که می‌تواند در مراحل بعدی در تعارض نسبی با موافقت‌نامه‌های عمومی تعرفه و تجارت قرار گیرد. ناگفته نماند ماده ۱۲ موافقت‌نامه مزبور اعلام می‌دارد که هر طرف متعاقد ممکن است مقدار یا ارزش کالاهای مجاز برای ورود را به منظور حفظ وضعیت مالی خارجی و موازنه پرداخت‌های خود، مطابق بندهای از این ماده محدود نماید.

برای مثال در مواردی به منظور رفع خطر فوری یا جلوگیری از سقوط شدید ارزش پولی و یا زمانی که ذخایر پولی کشور بسیار اندک است، یا اینکه کشور عضو بخواهد محدودیت‌هایی در مورد برخی از کالاها در قبال ورود برای کالاهای اساسی‌تر قائل شود اقدام به ایجاد محدودیت در زمینه واردات کالا می‌نماید. در خصوص کاهش تعرفه‌های گمرکی باید گفت که این اصل محور اساسی تعارضات مقررات گات با مقررات تجارت خارجی ایران به شمار نمی‌آید. زیرا عوارض وارداتی ایران که قبلاً شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی، سایر عوارض گمرکی، حق ثبت سفارش و ... بوده ضمن متعدد و پراکنده بودن از موانع واردات محسوب می‌شد، ولی در حال حاضر اصلاحات زیادی بر قانون مقررات واردات و صادرات اعمال شده و بسیاری از مشکلات مربوط به این بخش کاهش یافته است. تعدد و پراکندگی نرخ‌های عوارض گمرکی علاوه بر این که موانع وارداتی به شمار می‌روند، به انحاء مختلف موجب اختلال در امر تجارت می‌شوند لذا اصلاحات به عمل آمده در خصوص ادغام

تمامی این عوارض و هزینه‌ها در قالب سود بازرگانی، قدم مهمی در جهت سازگاری با مقررات موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت مبنی بر وضوح و شفافیت مالیات‌ها و موانع وارداتی بوده است. مطابق ماده ۱۵ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲، تمامی عوارض و مالیات‌های وارداتی ایران به صورت یک نرخ و تحت عنوان سود بازرگانی خواهند بود.^۱

نرخ تعرفه در خصوص تک تک کالاها باید مورد مذاکره قرار گیرد و چنانچه توجیه منطقی و اقتصادی قابل قبولی ارائه شود می‌توان نرخ تعرفه معینی را برای حمایت از صنعتی خاص حفظ کرد، اما افزایش بعدی منوط به موافقت دیگر اعضای سازمان خواهد بود. با توجه به این که نرخ‌های سود بازرگانی در قالب نظام تک نرخي ارزش‌های قابل توجهی یافته‌اند، قطعاً موضوع سطح نرخ‌ها مشکلی را در راه عضویت در سازمان جهانی تجارت ایجاد نخواهد کرد و امروزه ایران دارای یکی از پایین‌ترین سطح نرخ‌های تعرفه گمرکی در میان کشورهای در حال توسعه است و به احتمال زیاد در مذاکرات با سازمان جهانی تجارت و اعضا آن نرخ‌های پایین‌تری به صنایع ایران تحمیل نخواهد شد. (طبری، ۱۳۸۴: ۴۰).

موانع غیرتعرفه‌ای نیز با اعمال شفافیت‌های بسیاری کاهش یافته‌اند و می‌توان با تبدیل باقی آن‌ها به تعرفه، این مسئله را نیز تا حد زیادی برطرف نمود. کاهش نرخ‌های تعرفه از مسائل مطرح در این بخش هستند که به هر حال کشورهای در حال توسعه در این زمینه می‌توانند از امتیازات زیاد و زمان بیش‌تری برای تغییر نرخ‌های تعرفه برخوردار باشند.^۲

۱. برای آشنایی با میزان نرخ‌های گمرکی مثل سود بازرگانی، حقوق گمرکی و تعرفه‌های واردات و صادرات مراجعه شود به قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲.

۲. منظور از تعرفه (Tariff) حقوق گمرکی وضع شده بر واردات کالا است. تعرفه به وسیله اعضاء سازمان جهانی تجارت می‌بایست به نحوی وضع شود که موجب مزیت برای کالاهای داخلی در مقابل کالاهای وارداتی دیگر اعضاء نباشد. چرا که اگر عضوی بر کالاهای وارداتی تعرفه‌های غیر اصولی و سنگین وضع نماید، بدون شک ضمن رفتار بر خلاف مقررات سازمان جهانی تجارت، موجب کم‌تر شدن تقاضای آن کالای وارداتی نسبت به کالاهای داخلی در بازار متبوع خویش خواهد شد. در نظام تجارت بین‌المللی به این مسئله، موانع تعرفه‌ای غیر اصولی گفته می‌شود که از موارد مذموم در گات و سازمان جهانی تجارت است.

به طور کلی عوارض وارداتی ایران به سبب جنبه‌های حمایتی و مالی آن حائز اهمیت می‌باشد. عوارض بازرگانی که نوعی مالیات غیرمستقیم به شمار می‌روند در نظام بازرگانی خارجی ایران هم از نقطه نظر حمایت از صنایع و نیز ممانعت از ورود و مصرف کالاها و هم به علت کسب درآمد برای دولت واجد اهمیت اند. مطابق مقررات موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، تعرفه‌های گمرکی تنها ابزار قانونی حمایت از صنایع محسوب می‌شوند. اما دولت این حمایت‌ها را نه تنها از طریق عوارض گمرکی، بلکه بیش‌تر به واسطه اعطاء یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم، و تخصیص ارز به بخش‌های اولویت دار اعمال می‌نماید. به طور کلی در نظام تجاری ایران علاوه بر تعرفه گمرکی که از طرف موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت به عنوان تعرفه‌های گمرکی پذیرفته شده است، از موانع غیرتعرفه‌ای که مورد پذیرش آن سازمان نیست نیز به میزان قابل توجهی استفاده می‌شود. به طور کلی صنایع و تولیدات داخلی کشور، از طرق مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند. همچنین در جهت توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی، قانون مقررات صادرات و واردات، تسهیلات و امکاناتی را برای صادرکنندگان تحت پوشش مواد ۱۹ و ۲ و ۲۵ عنوان نموده است. از جمله جنبه‌های حمایتی در قوانین جاری کشور در ارتباط با سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است. بر این اساس سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مکلف است بر اساس مصوبات شورای اقتصاد نسبت به پرداخت یارانه برخی کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز، شیر و کود و سم اقدام کند و مابه‌التفاوت دریافت‌های سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مشمول مالیات بر درآمد نمی‌باشد.

مطابق ماده ۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت درباره یارانه‌ها، یارانه عبارت است از کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی که متضمن انتقال مستقیم وجوه مثل برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه و یا انتقال تعهدات مثل تضمین وام. بخشیدن مالیات‌ها و عوارض در قالب مشوق‌های مالیاتی و دادن کالا و خدمات

دیگری برای امر صادرات از دیگر موارد یارانه است.^۱ مطابق این بند بسیاری از تسهیلات مقرر در قوانین ایران از دیدگاه این موافقت‌نامه یارانه به حساب می‌آید. ضمیمه ۱ موافقت‌نامه فوق نیز در بردارنده مواردی از یارانه^۲ است که برقراری آن‌ها به وسیله کشور عضو ممنوع شده است که مهم‌ترین آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱. برقراری حمل و نقل داخلی با شرایط مناسب برای کالای صادراتی؛
۲. اعطای وام و اعتبارات با نرخ‌های پایین‌تر از معمول صرفاً به امر صادرات؛
۳. اعطای معافیت‌ها، بخشودگی یا اجازه تعویق پرداخت مالیاتی به کالاهای صادراتی.

البته ناگفته نماند که مطابق ماده ۲۷ موافقت‌نامه راجع به یارانه، کشورهای در حال توسعه دارای یک فرصت هشت ساله برای کاهش تدریجی سوبسیدها (یارانه) پس از پذیرفته شدن به عضویت سازمان جهانی در نظر گرفته شده است.

۹- نتیجه‌گیری

از آنجایی که غالب موانع و مشکلات موجود در راه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در قانون اساسی نهفته است، به نظر می‌رسد در این باره، رفع موانع موجود، خود با موانع بزرگ‌تر مواجه است.^۳ در این که قانون اساسی به عنوان شالوده قوانین

۱. واژه سوبسید در فرهنگ لغت معین به یارانه و کمک مالی ترجمه شده است. در فرهنگ حقوقی چنان از معنای لغوی خود دور نیست. در نتیجه، حقوق‌دانان سوبسید را کمک و مساعدت‌های نقدی و غیر نقدی دولت به بخش تولیدی و خدماتی وابسته به اقتصاد کشور می‌دانند. مقررات و قوانین سازمان جهانی تجارت در مورد اعطای یارانه‌های دولت به تولیدکنندگان را صراحتاً منع کرده و ادامه چنین روندی را برای اعضاء غیر قابل قبول می‌دانند. در حال حاضر دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اعطای یارانه به بخش صنعت، به بخش کشاورزی، تعاونی‌های تولید، بیمه و برخی دیگر مصارف اقتصادی کشور یارانه می‌پردازد. پس در صورت جدی شدن مذاکرات الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت به این موضوع نیز باید به شکل جدی پرداخت.

2. Subsidy

۳. باید خاطر نشان کرد که بازنگری و اصلاح در قانون اساسی بسیار پیچیده و دارای تشریفات فراوان است. در این مورد، اصل ۱۷۷ قانون اساسی شرایط سختی پیش‌بینی نموده است. مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری که مرکب از ۳۶ نفر در قالب ۹ گروه می‌باشند، پیشنهاد می‌کند. مصوبات شورای بازنگری هر چه باشد پس از

و مقررات عمومی کشور است، جای تردید و گمانی وجود ندارد، لیکن اگر بنا بر الحاق به سازمان جهانی تجارت باشد، مصلحت اقتضا می‌کند در این مورد حتی با توجه به سختی و موانع موجود نسبت به بازنگری قانون اساسی و یا ارائه تفسیرهای قابل انطباق، در اسرع زمان ممکن اقدام گردد.

علاوه بر قانون اساسی همانطور که اشاره شد در پاره‌ای دیگر از قوانین جاری کشور با موانعی در مقایسه با مقررات سازمان جهانی تجارت مواجه هستیم که در مورد آن‌ها می‌توان چنین پنداشت: از آنجایی که تمام آن قوانین جزو قوانین عادی می‌باشند، هیأت دولت می‌تواند نسبت به تنظیم لوایح جدید اقدام کرده و آن را جهت شور و بررسی به مجلس شورای اسلامی ارسال کند. اما از آنجایی که تمام مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به رویت و نظر شورای نگهبان برسد، به نظر می‌رسد لازم است شورای مزبور نیز با ارائه تفسیرهای قابل انطباق از قانون اساسی در جهت الحاق به این سازمان جهانی مساعدت نماید. به هر ترتیب، اگر بخواهیم به سادگی از این موضوعات بگذریم به راحتی نمی‌توانیم به عنوان عضوی از اعضاء جدید سازمان جهانی تجارت در آییم. پس می‌توان گفت اصلاح و تغییرات در قوانین و مقررات متعارض با مقررات سازمان جهانی تجارت با توجه به وضع موجود، امری دور از واقع است.

تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. باید اذعان کرد با وجود چنین تشریفات، بازنگری قانون اساسی به منظور الحاق کشور ایران به سازمان جهانی تجارت با وضع موجود بسیار زمان‌بر است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- بزرگی، وحید، و فتحی‌زاده، امیر هوشنگ، (۱۳۸۳)، «بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری»، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۲- بزرگی، وحید، (۱۳۸۴)، «آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری»، مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. تهران
- ۳- بیدآباد، بیژن، طبری، فتحیه، (۱۳۸۴)، «سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران»، چاپ اول، تهران. انتشارات گیتی هنر.
- ۴- طارم‌سری، مسعود، (۱۳۷۶)، «قانون مقررات صادرات و واردات و الزامات حقوقی سازمان تجارت جهانی»، مجموعه مقالات بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان تجارت جهانی، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

ب) مقالات

- ۱- دژم‌خوی، غزاله و مرادپور، فرزاد، (۱۳۸۵)، «قوانین برنامه توسعه ایران و الزامات الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت»، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، ش ۲ و ۳، ص ۱-۴۲.
- ۲- شیروی، عبدالحسین، زمستان (۱۳۷۸)، «سازمان تجارت جهانی (گات)، اهداف؛ مبانی و ساختار»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره ۴، ص ۷-۲۵.
- ۳- -----، بهار (۱۳۷۹)، «الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر مقررات داخلی»، مجله مجتمع آموزشی قم، سال دوم، شماره ۵، ص ۵-۲۸.

۴- طارم‌سری، مسعود، خرداد (۱۳۷۴)، «جنبه‌هایی از تعارضات حقوق ایران با مقررات سازمان تجارت جهانی»، نشریه پیام دریا، شماره ۲۳.

پ) قوانین

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۲/۴
- ۲- قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی
- ۳- قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ مجلس شورای ملی
- ۴- قانون صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۴/۷ با ضمیمه جداول مقررات ۱۳۹۰